

سقوط ائتلاف حاکم ۲۶ساله در ژاپن

در دهم اکتبر، حزب کومیتو، شریک دیرینه ائتلافی حزب لیبرال دموکرات، اعلام کرد که از این ائتلاف خارج می‌شود. این تصمیم شکستی جدی برای سائانه تاکاچی رهبر تازه‌منتخب حزب لیبرال دموکرات است. تاکاچی برای اینکه بتواند نخست‌وزیر بعدی ژاپن شود به تاییدیه پارلمان نیاز دارد. این جدایی به‌دلیل تفاوت‌ها میان حزب لیبرال دموکرات و کومیتو درباره رسوایی‌های بودجه سیاسی و مسائل ایدئولوژیکی است. سقوط ائتلاف کومیتو-لیبرال دموکرات، بی‌ثباتی اخیر در سیاست‌های داخلی ژاپن را تشدیدمی‌کند، فرصت‌های احتمالی را برای احزاب اپوزیسیون ایجاد می‌کند تا در صورتی که بتوانند بر اختلافات قابل توجه میان خود غلبه کنند، نفوذ خود را افزایش دهند. تحولات در شرایط سیاست داخلی چالش‌هایی را برای دولت ژاپن برای رسیدگی به نگرانی‌های شهروندان خود و همچنین هدایت این کشور در فضای بین‌المللی متغیر ایجاد می‌کند.

حزب لیبرال دموکرات و کومیتو از سال ۱۹۹۹ شرکای ائتلافی رسمی بوده‌اند و از همان زمان هماهنگی با کومیتو فاکتور مهمی در پیروزی‌های همیشگی الکتورال داشته است. کومیتو یک حزب محافظه کار میانه‌روست که حمایت الکتورال به رابطه‌اش باسازمان مذهبی «سوکا گاکای» مرتبط است که حدوداً ۸/۳ میلیون خانوار در ژاپن عضو آن هستند. این رابطه عناصر صلح‌طلبانه و ضدفساد پلتفرم حزب میانه‌رو را دارد. به‌رغم تفاوت در جایگاه‌ها، حزب لیبرال دموکرات و کومیتو توانستند ائتلاف رسمی خود را ۲۶ سال حفظ کنند.

بلافاصله پس از انتخاب تاکاچی به عنوان رئیس حزب لیبرال دموکرات در چهارم اکتبر اختلافات بین شرکای ائتلافی آغاز شد. تنسئون سایتو، رهبر کومیتو، نگرانی‌های خود را در دیدگاه‌های محافظه کارانه تاکاچی اعلام کرد از جمله باززید از معبد بهیشرانگیو یاسوکونی و سیاست‌های احتمالی در قبال ملیت‌های خارجی. او بر نیاز برای رسیدگی به رسوایی‌های بودجه‌های سیاسی که در هفت سال گذشته با آن مواجه شده تأکید کرد. طبق گزارش‌ها یا اینکه هر دو طرف درباره مسائل تاریخی و قوانین مهاجرتی به توافق رسیدند، دریافت‌های کمک‌های مالی سیاسی همچنان موضوع حل نشده‌ای باقی مانده. در هفتم اکتبر، تاکاچی تصمیم گرفت تایک پست ارشد در حزب را به کوچیچی هاگیدا، سیاستمداری بدهد که به دلیل مشارکت در رسوایی بودجه حزب به‌طور موقت تعلیق شده بود و کاتالیزوری برای شکست ائتلاف بود که واکنش ملایم حزب لیبرال دموکرات به طرح کومیتو مبنی بر اعمال قوانین سختگیرانه‌تر بر کمک‌های اهدایی سیاسی محسوب می‌شود. با اینکه رهبر حزب لیبرال دموکرات می‌گوید که این طرح را بررسی می‌کند، حزب کومیتو این واکنش را ناگافی برشمرد و تصمیم گرفت که از ائتلاف خارج شود. کومیتو که در انتخابات‌های اخیر با ریزش حامیان خود مواجه شده، رهبر آن همچنین نیاز برای همسویی با اصول اصلی حزب و تمایل برای تبدیل شدن به «محور جنبش اصلاح‌طلب میانه‌رو» را دنبال کرده است. حزب لیبرال دموکرات پیش از این به‌دلیل دو شکست در انتخابات‌های اکتبر ۲۰۲۴ و ژوئیه ۲۰۲۵ نیز جایگاه سیاسی ضعیفی داشت و از دست دادن شریک دیرینه ائتلافی این شرایط را بدتر کرده است. از زمان انتخاب او به‌عنوان رئیس حزب لیبرال دموکرات، تاکاچی از تمایل به تعامل در مذاکرات ائتلاف با دیگر احزاب اپوزیسیون صحبت کرده است. با این حال، چالش‌هایی برای تمام‌همکاری‌های احتمالی وجود دارد و احزاب اپوزیسیون معمولاً از قرار گرفتن در کنار حزب لیبرال دموکرات که دست و پنجه می‌زنند، محتاطانه عمل می‌کنند. آزمایش اصلی این است که حزب لیبرال دموکرات بتواند حمایت کافی برای تاییدیه تاکاچی در پارلمان را کسب کند تا او نخست‌وزیر بعدی ژاپن شود؛ موضوعی که حالا با قطعیت کمتری می‌توان گفت چون کومیتو احتمالاً از نامزدی او حمایت نمی‌کند و این بدان معنی است که حزب لیبرال دموکرات باید سراغ احزاب اپوزیسیون دیگر برود.

شرایط کلی می‌تواند به اپوزیسیون سیاسی ژاپن اجازه دهد تا نامزد جایگزینی را برای نخست‌وزیری انتخاب کند و احزاب مختلف هم‌اکنون درباره گزینه جایگزین صحبت می‌کنند و حزب دموکراتیک مشروطه ژاپن، بزرگ‌ترین حزب اپوزیسیون پیشنهاد داده تا نامزدهای دیگر علاوه بر رئیس این حزب، یعنی یوشیمیکو نودا را در نظر بگیرد. با این حال تنوع ایدئولوژیکی احزاب اپوزیسیون که از ترقی خواه تا فرامحافظه‌کار را در برمی‌گیرد به این معنی است که آنها برای رسیدن به توافق در میان خود با چالش‌های قابل توجهی روبه‌رو خواهند بود.

جنگ در خانه، صلح در خارج

ترامپ توانست کشورهای عربی، حماس و اسرائیل را به صلح برساند اما گارد ملی را به شهرهای

قطر را بمباران نمی‌کند. دوم اینکه از این طرح به‌عنوان نقشه‌راهی برای پایان دادن جنگ اسرائیلی‌ها استفاده کردند. ترامپ هم از ایده طرحی برای پایان جنگ استقبال کرد چون این طرح فقط یک آتش‌بس نیست بلکه پایان درگیری است. ترامپ و وینکاف با نمایندگان دولت‌های عرب و مسلمان در نیویورک دیدار کردند و با نکات اصلی این طرح صلح موافقت کردند. سوال اینجا بود که نتانیاهو چه کار خواهد کرد؟ در این مقطع، اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها در جلساتی به‌طور مستقیم مذاکره کردند و نتانیاهو به‌طور مرتب تلاش می‌کند تا پیشنهادهای بدهد که تعهدات اسرائیل را کاهش می‌دهد و همچنین حفره‌هایی را ایجاد کند که نشان دهد حماس صلح را نقض می‌کند. در نهایت این‌ها منجر به توافقی می‌شود که کاملاً به نفع اسرائیل بود تا جایی که خشم طرف‌های غرب را برانگیخت. آنها معتقد بودند دولت ترامپ اختیارات بنسبیاری به اسرائیل می‌دهد. بخشی از عصبانیت در روز بعد زمانی که ترامپ و نتانیاهو در کاخ سفید دیدار می‌کنند، فروکش می‌کند. به‌عنوان بخشی از توافق، نتانیاهو باید با نخست‌وزیر قطر تماس می‌گرفت و بابت حمله‌نهم‌سپتامبر عذرخواهی می‌کرد. کاخ سفید هم تصویری منتشر کرد که ترامپ تلفن را گرفته و نتانیاهو صحبت می‌کند. تصویری که عمداً نشان می‌داد این ترامپ است که با نگه داشتن تلفن، نتانیاهو را سر جایش نشاند. در این عکس نه نتانیاهو و حتی نه ترامپ خوشحال به‌نظر نمی‌رسند. پس از این تماس تلفنی ترامپ و نتانیاهو طرح صلح را اعلام کردند. با توجه به هر طرحی که بیشتر به نفع اسرائیل بود و حماس هم بعد از دو سال جنگ همچنان در جای خود باقی مانده، نگرانی‌ها از این بود که حماس چه واکنشی نشان خواهد داد. به گفته مارتی شوهادی وجود داشت که نشان می‌داد یکی از دلایلی که نتانیاهو حاضر شد این طرح را بپذیرد این بود که او به‌نوعی مطمئن بود حماس این توافق را نمی‌پذیرد. با این حال در پایان هفته گذشته، حماس سیگنالی فرستاد که حاکی از تمایل آن برای آمدن پای میز مذاکره در صورت پذیرفته شدن شرایطی بود. آزادی گروگان‌ها نکته اصلی مذاکرات بودند بنابراین بیانیه حماس و اعلام آمادگی برای مذاکرت نشانه امیدوارکننده‌ای بود. تمام طرفین مذاکره موافقت کردند که در شرم‌الشیخ در مصر دیدار کنند. در ابتدا همچنان شک و شبهه‌هایی برای جمع‌آوری طرفین وجود داشت اما در نهایت به نتیجه رسید. روز چهارشنبه بود که در یک نشست عمومی، مارکو رومبو، وزیر امور خارجه آمریکا یادداشتی را به ترامپ داد و ترامپ هم اعلام کرد که ما به توافق خیلی نزدیک شده‌ایم و آنها به حضور من در خاورمیانه نیاز دارند. ترامپ تأیید کرد که روز یکشنبه به اسرائیل سفر می‌کند و در کنست، پارلمان اسرائیل سخنرانی می‌کند. واکنش اسرائیلی‌ها و مردم غزه شور و حسی از خوش‌بینی بود که از هفتم اکتبر رنگ باخته بود. اسرائیل به‌معنای واقعی کلمه مذاکره کنندگان ومیانجی‌گران را بمباران کرد تا این صلح اتفاق نیفتد و به توافقی رسید که بایدن و هیچ رهبر دیگری در جهان به‌رغم دو سال تلاش نتوانستند به آن برسند. این یک دستاورد بزرگ است که بتواند دو طرفی که هیچ تمایلی به پایان جنگ نشان نمی‌دادند را به توافق برساند. ترامپ به‌نوعی نتانیاهو را تحت‌فشار قرار داد که بایدن هیچ تمایلی برای آن نداشت. دلایلی هم برای آن وجود دارد. به گفته خبرنگار نیویورک تایمز ترامپ واقعا می‌خواست این جنگ تمام شود. کمپین ریاست جمهوری او بر پایه پایان دادن جنگ در غزه و اوکراین بود. او توانسته جنگ در اوکراین را تمام کند. ترامپ در عین حال به‌دنبال دریافت جایزه نوبل صلح بود. رابطه ترامپ و نتانیاهو در طول این سال‌ها پر فراز و نشیب بوده است. نتانیاهو در سال ۲۰۲۰ به جوبایدن برای پیروزی در انتخابات تبریک گفت که ترامپ را بسیار خشمگین کرد. امسال هم زمانی که اسرائیل تلاش می‌کرد با ایران وارد جنگ شود، ترامپ تلاش کرد جلوی او را بگیرد. حزب جمهوری خواه تغییرات بسیاری کرد و حمایت از اسرائیل و حزب جمهوری خواه دیگر امری بدیهی نیست. در پایگاه ترامپ تفرکاتی وجود دارد مبنی بر اینکه آمریکا بیش از حد مایل است از تمام اقدامات اسرائیل حمایت کند؛ امری که آمریکا را به‌جنگ‌های خاورمیانه می‌کشاند. این گرایش‌ها از سوی برخی از افراد برجسته در حزب جمهوری خواه مطرح شده‌اند که ترامپ هم به آنها گوش می‌دهد. از سوی دیگر این نکته وجود دارد که فقط یک رئیس جمهور جمهوری خواه می‌تواند واقعا نتانیاهو را متقاعد کند که اگر به حرفش گوش نکنند می‌تواند حمایت آمریکایی‌ها را از دست بدهد. چون اگر جمهوری خواهان از اسرائیل حمایت نکنند دیگر حمایتی باقی نمی‌ماند. حزب دموکرات هم اکنون حمایت‌های خود از اسرائیل را کاهش داده است. بنابراین اگر نتانیاهو جمهوری خواهان را از دست بدهد، حمایت آمریکا را از دست می‌دهد. نتانیاهو تمام زندگی سیاسی خود در اسرائیل را بر این اساس ساخته که او بهترین شناخت را از سیاست‌های آمریکا دارد و می‌داند که هر چقدر حمایت اروپایی‌ها کاهش یابد مقابل حمایت‌های آمریکا اهمیت ندارد. بنابراین نتانیاهو به قدرتمندترین دوست خود یعنی دونالد ترامپ نیاز دارد. ترامپ هم از این موضوع به‌عنوان اهرمی برای اعمال فشار استفاده کرد. علاوه بر این، در طرف دیگر مذاکره بازیگران کلیدی در جهان عرب قرار دارند؛ مصری‌ها، قطری‌ها، عربستانی‌ها و اماراتی‌ها. آنها هم رابطه خوبی با ترامپ دارند. آنها هم به آمریکا نیاز

حماس قطعاً هیچ وقت انجام نمی‌دهند.) از بسیاری جهات این تمایل ترامپ برای تحت فشار قرار دادن نتانیاهو بود که واقعاً به صلح منجر شد. همانطور که دنبال کونتر، سفیر پیشین آمریکا در اسرائیل به خبرنگار نیویورکر می‌گوید، نخست‌وزیر اسرائیل «هیچ گزینه‌ای جز تسلیم نداشت». آرون دیوید میلر، مذاکره‌کننده کهنه‌کار آمریکایی در خاورمیانه که در دوران رؤسای جمهور از هر دو حزب فعالیت کرده هم کمابیش آنچه اتفاق افتاد را پیش‌بینی می‌کرد اما بزرگ‌ترین تردید او نه اجرایی شدن فاز اول آتش‌بس بلکه این بود که آیا می‌توان بر سر ترتیبات ماندگار پس‌اجنگی برای غزه و جزئیات مهم مثل توافق بر سر خلع سلاح حماس به توافق رسید یا نه. میلر به نیویورکر می‌گوید: «ترامپ یک توافقی می‌خواهد. او آزادی تمام گروگان‌ها و پایان جامع کمپین نظامی اسرائیل را می‌پذیرد. نتانیاهو نمی‌تواند او را از خود براند. برعکس او برای پیروزی در انتخابات ۲۰۲۶ در اسرائیل نیاز دارد.»

به همین ترتیب نتانیاهو نه‌تنها توافق آتش‌بس را امضا کرد بلکه تصویری ساختگی با هوش مصنوعی از خود با ترامپ با این توضیح که «او لیاقتش را دارد!» در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد که انگار ترامپ جایزه نوبل صلح را گرفته است.

▼ تیم ترامپ چگونه به صلح رسید؟

روند صلح از هشتم سپتامبر آغاز شد؛ زمانی که استیو ویتکاف، فرستاده دولت ترامپ در خاورمیانه و جرد کوشنر، داماد ترامپ با ران درم، مشاور ارشد بنیامین نتانیاهو دیدار کردند. آنها ساعت‌ها درباره مفاد طرح صلح گفت‌وگو کردند. روز بعد در نهم سپتامبر تصاویر تلفن‌های همراه صحنه‌هایی از دود و فرار مردم در دوحه، پایتختی که در آن معمولاً اوضاع آرام است، نشان دادند. اسرائیل به منطقه‌ای مسکونی در دوحه، جایی که مقامات ارشد حماس سال‌هاست زندگی می‌کنند و جایی که تیم مذاکره‌کننده جلسه داشتند، حمله کرد و شکست خورد. این حمله افرادی که اسرائیل در نظر داشت، یعنی مذاکره‌کنندگان ارشد حماس را هدف قرار نداد. به گفته خبرنگار نیویورک تایمز این حمله با حملات دیگر اسرائیل در ایران، لبنان، یمن و سوریه متفاوت بود چون اسرائیل قصد داشت افرادی را هدف قرار دهد که برای پایان دادن به جنگ مذاکره می‌کردند و نشان می‌داد که برنامه اسرائیل ادامه حمله به حماس است تا اینکه سر میز مذاکره بنشینند. دولت ترامپ نیز زمانی از این حمله خبردار شد که در حال اجرا شدن بود. ویتکاف با مقامات قطر تماس می‌گیرد تا هشدار دهد اما دیگر دیر شده بود. آمریکایی‌ها از این حمله بسیار خشمگین شدند چون اسرائیل از قبل خبر نداده بود و اینکه قطری‌ها نقش مرکزی را در پایان دادن به جنگی که دو سال در جریان بوده، بازی می‌کردند. قطری‌ها هم خشمگین شدند چون آن‌ها نقش میانجی را داشتند و انتظار نداشتند که از سوی اسرائیلی‌ها که یکی از طرفین مذاکره به‌شمار می‌روند، بمباران شوند. آنها خواستار عذرخواهی بودند و استدلال کردند که بدون ما هیچ اتفاقی رخ نمی‌دهد. مارک مارتی، خبرنگار نیویورک تایمز که زمان حمله به قطر در اسرائیل حضور داشته می‌گوید که سوال‌های بسیاری درباره این اتفاق وجود بود آمد. اینکه حماس چه واکنشی نشان خواهد داد؟ و حالا که اسرائیل تلاش کرده تیم مذاکره‌کننده حماس را از بین ببرد پس سرنوشت گروگان‌ها چه خواهد شد؟ آمریکا چه واکنشی نشان خواهد داد؟ آیا دولت ترامپ، نتانیاهو را تحت‌فشار قرار می‌دهد؟ آمریکا در برخی موارد، هیچ فشاری بر نتانیاهو نیاورده است. اما در نهایت مشخص شد که پشت‌پرده اتفاق‌های بسیاری رخ داده است.

برخی از افراد کاخ سفید این حمله شکست‌خورده را به‌عنوان فرصت دیدند. شلیک نتانیاهو خطا رفت و آنها فکر کردند این لحظه‌ای است که می‌توانند از آن استفاده کنند تا نتانیاهو را وادار کنند در مورد برخی از نکات مذاکره که مدت‌ها بود با آن مخالفت می‌کرد، کوتاه بیاید. در عین حال، حتی در جبجوه خشم و عصبانیت در میان دولت‌های کشورهای عربی، آنها این فرصت را دیدند که بتوانند با کاخ سفید همکاری کنند تا نتانیاهو را برای پایان دادن به جنگ تحت فشار قرار دهند. بسیاری از کشورهای عربی و فراتر از آن کشورهای مسلمان بخشی از تیم مذاکره‌کننده بودند. ترکیه، قطر و مصر به‌ویژه نفوذ بسیاری بر حماس داشته‌اند. آنها در طول سال‌ها در ظرفیت‌های متفاوت از حماس حمایت کردند و به دلایل شخصی فرصتی را برای تحت فشار قرار دادن حماس دیدند چون می‌خواستند جنگ پایان یابد. ترکیه به‌دنبال گسترش همکاری دفاعی با آمریکا است. آنها سلاح و جنگنده و رابطه‌ای بهتر با دولت ترامپ می‌خواهند. قطری‌ها هم به‌دنبال رابطه محکم‌تر با آمریکا به‌ویژه با دولت ترامپ هستند تا جایی که ترامپ به یاد دارد قطری‌ها می‌خواستند یک هوایپماي افبرورس وان جدید هدیه دهند.

مصری‌ها که در همسایگی غزه قرار دارند، از ورود بیشتر پناهجویان فلسطینی و امنیت کشور خود نگرانی داشتند. بنابراین تمام این کشورها دلایل شخصی برای طرح صلح داشتند. آنها قبل از مجمع عمومی سازمان ملل طرحی را با خود به نیویورک آوردند و در اختیام تیم مذاکره‌کننده دولت ترامپ قرار دادند. بنابراین در ۲۰ سپتامبر، نخست‌وزیر قطر با ویتکاف و کوشنر برای ارائه طرح خود دیدار کرد. آنها در وهله اول خواستار ضمانت بودند که اسرائیل دیگر



ماه‌هاست که دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا خود را مظهر واقعی یک صلح‌ساز جهانی نشان می‌دهد و مدام فهرستی از درگیری‌های بین‌المللی را جار می‌زند که ادعا می‌کند به آنها پایان داده است. گاهی شش درگیری بوده‌اند، گاهی به ۱۰ تا هم رسیده‌اند. او در ماه گذشته در مجمع عمومی سازمان ملل گفت: «من به هفت جنگ پایان دادم»، جنگ‌هایی تمام‌عیار که در آنها «افراد بی‌شماری کشته می‌شدند». البته که این ادعا درست نیست اما باعث نشده ترامپ آن را تکرار نکند. دو درگیری که در فهرست کاخ سفید قرار دارند، مصر علیه اتیوپی و صربستان علیه کرووو، به‌هیچ وجه جنگ‌های امروزی محسوب نمی‌شوند. این درست است که ترامپ از قدرت دیپلماسی شخصی خود در میانجی‌گری برای تعدادی از توافقی‌های صلح استفاده کرده اما پایدار ماندن یک توافق امری بسیاری دشوار است. مثلاً در آفریقا، به‌رغم توافقی که در ماه ژوئن با میانجی‌گری آمریکا بسته‌شد و ترامپ آن را «روز بزرگی برای جهان» خواند، درگیری سده‌های میان شبه‌نظامیان در رواندا و جمهوری دموکراتیک کنگو تقریباً بی‌وقفه ادامه داشته است. علاوه بر آن دستاوردهای ترامپ به‌عنوان یک میانجی همیشه از سوی طرفین درگیری پذیرفته نشده است. زمانی که ترامپ به‌طور مرتب تکرار می‌کرد که او هندو پاکستان را مجبور کرده تا به آخرین درگیری خود در کشور پایان دهند، ناندرنا مودی، رهبر هند این ادعا را تحریف واقعیت می‌داند و از ترامپ به‌شدت عصبانی شد. مشاجرات میان هند و آمریکا تهدیدی برای تلاش‌های دیرینه واشنگتن است که می‌خواست در رقابت با چین، هند را به شریک استراتژیک خود تبدیل کند.

اما نکته اصلی همانگونه که ترامپ می‌بیند این است که او کارهایی برای صلح انجام داده. ترامپ در واقع آنقدر زیاد تلاش کرده که به سختی می‌تواند نام کشورهایی که مشکلاتشان را حل کرده، به یاد داشته باشد. در ماه سپتامبر، او تلاش‌های خود برای رسیدن به صلح در کشورهایی که در آنها جنگی وجود ندارد، یعنی قفقاز و کامبوج را بزرگ‌نامی کرد؛ دو کشوری که هزاران کیلومتر با یکدیگر فاصله دارند. زمانی که درباره پایان دادن به درگیری دیرینه قفقاز لاف‌زنی می‌کرد، دو بار به جای ارمنستان گفت آلبانی، گاف‌های ترامپ در حاشیه نشست اخیر در کپنهاگ، بازار خنده به راه انداخت. تصاویری منتشر شد که در آن آدا راما، نخست‌وزیر آلبانی، امانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه را به‌شوخی سرزنش می‌کند و می‌گوید «باید عذرخواهی کنی، چون بابت توافق صلحی که ترامپ بین آلبانی و آذربایجان ایجاد کرد به من تبریک گفتی.» الهام علی‌اف، رهبر آذربایجان که همان نزدیکی، ایستاده بود، می‌زند زیر خنده.) با تمام این اوصاف، ترامپ نمی‌توانست برای پایان دادن به دو جنگ بزرگ که به اولویت ریاست جمهوری خود تبدیل کرده بود، ادعایی داشته باشد؛ جنگ اسرائیل و حماس در غزه و جنگ روسیه در اوکراین. تا اینکه عصر روز چهارشنبه در یکی از پست‌های شبکه اجتماعی بالاخره حرفی برای گفتن پیدا کرد: «با افتخار اعلام می‌کنم که اسرائیل و حماس هر دو اولین فاز از طرح صلح ما را امضا کردند.» او کمی بعد از ساعت ۷ شب نوشت: «خوشا به حال صلح‌سازان!»

طرح صلح که با کمک کشورهای عربی متحد آمریکا مثل قطر و مصر نوشته شد، از اسرائیل می‌خواهد تا در عرض ۲۴ ساعت جنگ را متوقف کند و نیروهای اسرائیلی تا حدی عقب‌نشینی کنند. این طرح از حماس هم می‌خواهد تا روز دوشنبه تمام ۲۰ گروگان اسرائیلی که دو سال پس از حمله هفتم اکتبر به اسرائیل همچنان گمان می‌رود زنده مانده‌اند، آزاد کند. خوش‌بین بودن درباره پایان این جنگ خطرناک به‌نظر می‌رسد. برخی از مسائل همچنان حل‌نشده روی میز قرار دارند. مثلاً حماس به چه ضمانتی نیاز دارد تا سلاح‌های خود را زمین بگذارد؟ آینده بازسازی غزه چگونه خواهد بود؟ اینجا مسائلی هست که در نهایت می‌تواند منجر به برهم خوردن هر گونه توافقی شوند اما همانگونه که گفته شد، برخی از مسائل بزرگ حل شده‌اند و با توجه به یک ماه گذشته این پیشرفت بزرگی محسوب می‌شود.

اما به هر حال روز پنجشنبه در جلسه کابینه، مشاوران رئیس‌جمهور آمریکا برای سفر ترامپ به منطقه برای شرکت در جشن امضای این طرح، برنامه‌ریزی کردند و رئیس‌جمهور آمریکا از «پیشرفت مهم» گفت. چشم‌انداز صلح در غزه باعث شد حتی منتقدان ترامپ از این طرح حمایت کنند. کریس ون‌هالن، دموکرات اهل ایالت مریلند که آشکارا ترامپ (وقبل از او جوبایدن) را تحت فشار قرار داد تا برای پایان دادن به درگیری اقدامات بیشتری انجام دهند، می‌گوید: «اولین لحظه امیدوارکننده پس از مدت‌ها»، در این میان حامیان ترامپ سر مست بودند انگار که باعث شده بنیامین نتانیاهو و محمد اسماعیل درویش (رئیس شورای رهبری حماس) در حرم شریف (کوه معبد که مسجدالقصی در آن واقع شده) یکدیگر را بغل کنند (کاری که نخست‌وزیر اسرائیل و رئیس شورای رهبری

